

نگرشی اخلاقی تربیتی به تن‌پوش هم‌بودن فطری و روانی زوجین

سیف‌اله احدی*

چکیده

قرآن کریم با عباراتی مختصر، بلیغ و فصیح تمام مسائل بشریت را بیان فرموده است که بایستی هر آیه‌ی آن در پرتو سایر آیات و روایات ائمه‌ی معصومین (ع) و تفکر انسانی تحلیل و تبیین شود. یکی از این تعابیر عبارت شریفه‌ی «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» خطاب به مردان و مربوط به خانواده است که زن و شوهر را لباس برای یکدیگر معرفی کرده است، اما اینکه مراد از تعبیر مذکور چیست و خداوند متعال با این تعبیر چه نکاتی را به زوجین بیان فرموده است نیاز به تأمل و بررسی دارد. از این رو نویسنده در نوشتار حاضر به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و با تتبع در کتب تفسیری، حدیثی، فقهی و حقوقی نکات مستفاد از آیه‌ی شریفه را بیان کرده و بر آن شده است که تعبیر مذکور هم در بردارنده‌ی نکات مربوط به انتخاب همسر بوده - چراکه مبین مختار بودن زوجین و ملاک‌های انتخاب همسر است - هم متضمن نکات مربوط به زندگی مشترک و کیفیت تعامل و حسن معاشرت آنهاست - چراکه همسر را مایه‌ی آرامش، سبب زینت، محرم راز، نزدیک‌ترین همراه، گرمادهنده‌ی زندگی، موجب دوری از آلودگی‌ها و احساس مناعت طبع و مکمل دیگری معرفی کرده - و در صورت ممکن نبودن ادامه‌ی زندگی مشترک، جدایی آنها از طریق طلاق ممکن شده است.

واژگان کلیدی

لباس بودن زوجین، معاشرت زوجین، همسر‌داری اسلامی، ویژگی‌های همسر.

*. استادیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران (ahadi@azaruniv.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲

۱- مقدمه و بیان مسئله

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است، به طوری که تربیت و عواطف اجتماعی - به عنوان مهم ترین ویژگی انسان - از خانواده نشئت می گیرد؛ از این رو توجه به نقش محوری زن به عنوان محور عاطفه و تربیت و نقش محوری مرد در امر تربیت و تأمین معیشت و اداره ی زندگی امری ضروری است. از دیدگاه قرآن کریم خانواده باهدف رساندن اعضای خود به کمال تشکیل می شود و در طول حیات خود نیز با سازکارهای مختلفی این هدف را دنبال می کند (جباران، ۱۴۰۰: ۳۰). خداوند متعال به ازدواج و تشکیل خانواده امر فرموده و با ظرایف بسیار و تعابیر مختلفی آیین همسر داری را نیز بیان کرده است؛ برخی از این دستورات - مانند دادن مهر و نفقه ی زوجه و تمکین زوجه از شوهر - جنبه ی الزامی - قانونی داشته و زوجین ملزم به رعایت آن هستند و در صورت رعایت نکردن، طرف مقابل می تواند به حکم قانون او را بازخواست کرده و به ادای آن ملزم کند؛ برخی دیگر از دستورات همسر داری جنبه الزامی - قانونی نداشته (در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی به طور خاص آورده نشده است)، بلکه عمدتاً برای نشان دادن تقدس پیوند زناشویی و منحصر نبودن رابطه ی زوجین به قوانین و فراتر بودن آن از یک رابطه ی عادی میان افراد و برای قوام و استحکام بخشیدن به روابط میان اعضای خانواده ها بوده و هر یک از زوجین به حکم اخلاق اسلامی موظف به رعایت آن هستند. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز زوجین را به صورت کلی به حسن معاشرت و تشییید مبانی خانواده امر کرده است. این حقوق در قرآن کریم با تعابیر مختلفی مانند: «عاشروهن بالمعروف» (نساء: ۱۹)؛ (با آنها (زن ها) به طور معروف و پسندیده زندگی کنید) و «هن لباس لکم و انتم لباس لهن»؛ (بقره: ۱۸۷) (آنها (زن ها) لباس شما (مرد ها) بوده و شما لباس آنها هستید) بیان شده است. از آنجاکه تعابیر قرآنی بلاغت و اختصار دارند و جوانب آن در پرتو سایر ادله تحلیل و تبیین می شود، این سؤال مهم و اساسی مطرح می شود که دین مقدس اسلام - که به حقوق خانواده و استحکام آن اهمیت و بهای بسیاری داده و تشکیل خانواده را دوست داشتنی ترین بنیان نزد خداوند متعال شمرده است - با این تعابیر چه نکاتی را متذکر شده است؟ آیا تنها به مفهوم ظاهری حسن معاشرت و لباس یکدیگر بودن زوجین توصیه فرموده است، یا اینکه ذیل این عناوین، نکاتی را به طور مشخص در تمام مراحل زندگی مشترک - اعم از قبل ورود به زندگی مشترک و پس از آن - بیان فرموده است؟ برای یافتن پاسخ دقیق به مسائل مطرح شده لازم است، با تتبع در کتب تفسیر قرآن، حدیث، فقه و حقوق اسلامی نکات مستفاد از تعابیر مذکور را تبیین کرده و میزان تأثیر پذیری و انطباق قوانین موضوعه از این نکات مشخص و موارد کلی نیز به طور جزئی تحلیل و تفسیر شود.

گفتنی است، در کتاب‌های فقهی و حقوقی درباره‌ی حقوق و تکالیف الزامی زوجین بحث و تحقیق جامعی شده، اما درباره‌ی تکالیف اخلاقی زوجین، مباحث بسیار کم و پراکنده‌ای مطرح شده است و از آنجا که ملتزم شدن زوجین به نکات اخلاقی در استحکام بخشیدن بنیان خانواده نقش به‌سزایی داشته و محدود شدن به رعایت قواعد فقهی و حقوقی نمی‌تواند به تنهایی در این امر مؤثر باشد، انجام یک تحقیق جامع و مستقل و پرداختن به ابعاد مختلف حقوق اخلاقی مشترک زوجین و بررسی تعابیر مربوط به آن امری ضروری است. در این جستار به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی آیه‌ی شریفه‌ی «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» بررسی نکات مستفاد از آن - که عمده‌تاً در بردارنده‌ی حقوق اخلاقی زوجین است - تحلیل شده است تا میزان انطباق قواعد فقهی - حقوقی با آن و تفسیر موارد کلی مطرح در قوانین موضوعه بر اساس آموزه‌های دینی محقق شود.

لباس هم بودن زوجین

یکی از نیازهای اولیه‌ی انسان، داشتن پوشاک یعنی لباس است و هر فردی به دنبال آن است که از آراسته‌ترین، مناسب‌ترین، راحت‌ترین، جذاب‌ترین، مطمئن‌ترین، استوارترین، برازنده‌ترین و مطلوب‌ترین پوشش برخوردار شود. در آیه‌ی شریفه‌ی «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» (بقره: ۱۸۷)، همسران در حکم لباس برای یکدیگر معرفی شده‌اند، اما اینکه مراد از لباس بودن زوجین برای یکدیگر چیست و قرآن کریم با این تعبیر ظریف چه نکات و مفاهیم مهمی را بیان کرده است نیاز به تحلیل و بررسی دقیق دارد.

گفتنی است، هر چند آیه‌ی شریفه‌ی مورد بحث به صورت جمله‌ی خبری بوده و در توصیف زوجین به عنوان لباس برای یکدیگر است، می‌توان از آن نکات دستوری را استنباط کرد؛ چراکه شیوه‌ی تربیتی قرآن کریم غالباً از طریق بیان الگو و توصیف است. از سوی دیگر، چنان که در علم اصول فقه ثابت شده است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ق: ۷۱؛ مظفر، ۱۴۳۰ ق: ج ۱، ص ۱۱۴) در مقام انشای طلب برای الزام، ظهور و تأکید در جملات خبری بیشتر و بهتر از جملات امری و دستوری است؛ چراکه جمله‌ی خبری در حقیقت خبر دادن از تحقق فعل است با ادعای اینکه وقوع آن از سوی مکلف مفروغ‌عنه است. در آیات قرآنی و در پاسخ‌گویی ائمه‌ی معصومین (ع) به سؤالات مکلفین نیز مشاهده می‌شود که آنها را با جملات خبری به انجام عمل سوق داده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۸: ج ۳، ص ۹۳). با توجه به مطالب بیان شده و بر اساس آیه‌ی شریفه‌ی «عاشروهن بالمعروف» و مواد (۱۱۰۳) و (۱۱۰۴) قانون مدنی - که به صورت کلی زوجین را به حسن معاشرت و تشیید مبانی خانواده امر کرده - با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اسلامی - که در موارد ابهام و اجمال قانون مدون، منابع

معتبر فقهی را مرجع دانسته است^۱ - می‌توان از تعبیر خاص لباس برای یکدیگر بودن زوجین نکاتی را استخراج کرد.

نکات مستفاد از آیه‌ی شریفه را می‌توان به واسطه‌ی سایر ادله در دو دسته‌ی کلی قرار داد: یک، نکات الزامی - قانونی که در متون فقهی و حقوق موضوعه مطرح شده و زوجین به حکم قانون مکلف به رعایت آن هستند؛ دو، نکات اخلاقی - تربیتی که زوجین اخلاقاً موظف هستند به آن عمل کنند و در حقوق موضوعه نیز به صورت کلی و در جهت استحکام بنیان خانواده تنها بدان توصیه و تأکید - نه الزام - شده است.

۲- نکات الزامی - قانونی

نکات الزامی - قانونی مستفاد از آیه‌ی شریفه که از آن به حقوق الزامی - قانونی زوجین تعبیر می‌شود و در قوانین موضوعه نیز مطرح شده و زوجین از نظر قانون به رعایت آن مکلف هستند را می‌توان در موارد زیر تحلیل کرد:

۲-۱- گزینش اختیاری

از تعبیر ظریف قرآنی لباس هم بودن زوجین - که نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آن دو به یکدیگر را نشان می‌دهد - ممکن است بتوان گزینش اختیاری همسر را استفاده کرد. گزینش لباس قاعداً امری اختیاری است، انسان‌ها رنگ و نوع لباس را با اختیار خود برمی‌گزینند، همسرگزینی نیز در فرهنگ اسلامی آزادانه و غیرتحمیلی بوده، مرد و زن با انتخاب آگاهانه و آزادانه‌ی خویش همسرگزینی می‌کنند و مطابق نظر فقها و حقوق دانان قصد و رضایت متعاقدين و مختار بودن آنها از شرایط صحت و نفوذ عقد دانسته شده است (انصاری، ۱۴۱۵ ق:ج ۳، صص ۲۹۵ و ۳۰۷؛ امامی، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۷۶؛ کاتوزیان، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۵۶)، اما اینکه بنابر قول برخی از فقها (طوسی، ۱۴۰۰ ق: ۶۵۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ق:ج ۲۳، ص ۲۱۱) و مطابق ماده (۱۰۴۳) قانون مدنی^۲ در ازدواج دختر باکره، اذن ولی لازم است، منافاتی با مطلب گفته شده ندارد، زیرا اولاً این امر (لزوم اذن ولی) مورد اتفاق فقها نیست، بلکه مسئله‌ی اختلافی بوده و قول مشهور این است که دختر باکره‌ی رشیده استقلال کامل دارد و پدر و جد پدری بر او ولایت ندارند (محقق حلی، ۱۴۱۸ ق: ج

۱. برای اطلاع بیشتر در خصوص مفهوم سکوت قانون و تبیین مبانی و مفهوم اصل ۱۶۷ ق.ا.رجوع شود به: الهام و زهروی، ۱۳۹۶: ۴۴۳-۴۵۵.

۲. بر اساس ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی: «نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است» و گفته شده در این امر فرقی نمی‌کند که دختر شوهر نکرده باشد یا شوهر کرده ولی با او نزدیکی نشده است (امامی، بی‌تا: ج ۴: ص ۲۸۵).

۱، ص ۱۷۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ص ۷؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۵ ق: ج ۲، ص ۲۰۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق: ج ۵، ص ۱۱۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق: ج ۲۹، ص ۱۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق: ج ۲، ص ۱۶). برخی نیز معتقدند، در ازدواج دختر باکره، اذن ولی و رضایت دختر هر دو به طور مشترک لازم است (خوئی، ۱۴۱۸ ق: ج ۳۳، ص ۲۱۵؛ سبحانی، بی تا: ج ۲، ص ۱۷۴). برخی تنها از باب احتیاط اذن هر دو را لازم دانسته‌اند (خمینی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲، ص ۲۵۴)، ثانیاً گفته شده، اگر پدر (جد پدری) از تزویج او به کسی که شرعاً و عرفاً کفو او است و او هم میل دارد، ممانعت کند و یا اگر ولی غایب باشد، به طوری که گرفتن اذن از او ممکن نباشد و مولی علیه احتیاج به ازدواج داشته باشد، اعتبار اذن ولی ساقط می‌شود (همان). ثالثاً مراد قائلین به لزوم اذن ولی تحمیل نظر او نیست؛ چراکه در صورت کراهت دختر عقد نکاح نافذ نخواهد بود؛ از این رو در ماده (۱۰۷۰) قانون مدنی آمده است: «رضایت زوجین شرط نفوذ عقد است و هر گاه مکره بعد از زوال کره، عقد را اجازه کند نافذ است، مگر اینکه اکراه به درجه‌ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد».

۲-۲- متناسب بودن

لباس همواره باید در دوخت و جنس متناسب با قامت و اندام آدمی باشد. زن و مردی که می‌خواهند یک عمر با هم باشند باید در عقیده، فرهنگ و شخصیت کفو هم باشند. تکیه‌ی اساسی اسلام در کفویت روی موضوع ایمان و اعتقاد است و اسلام بر همتایی زوجین بر اساس طهارت و پاکیزگی معنوی تأکید دارد، علاوه بر آیه‌ی ۱۸۷ سوره بقره، آیه «الخبیثات للخبیثین والخبیثون للخبیثات والطیبات للطیبین والطیبون للطیبات» (نور: ۲۶) (زنان پلید برای مردان پلید و مردان پلید برای زنان پلید هستند. زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک هستند) به صراحت بر این امر دلالت می‌کند. روش و سیره‌ی معصومین (ع) نیز بر آن بوده است، چنان که شخصی از رسول اکرم (ص) سؤال کرد که با چه کسی باید ازدواج کند؟ حضرت (ص) فرمودند: «با هم کفو» ، عرض کرد: هم کفو کیست؟ فرمودند: «بعضی از مؤمنین کفو بعض دیگرند» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ص ۳۳۷)؛ و امام صادق (ع) فرمودند: «کفویت به عفت و آسان‌گیری در زندگی است» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ۲۳۹). از این رو بنا بر اجماع فقها، نکاح زن مسلمان با مرد کافر به طور مطلق و نکاح مرد مسلمان با زن کافر غیر کتابی نیز مطلقاً حرام بوده و بر اساس قول مشهورتر در میان فقها نکاح مرد مسلمان با زن کافر کتابی به صورت نکاح دائم و ابتداء (نه استدامه) حرام است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق: ج ۵، صص ۲۲۸ و ۲۳۴؛ خمینی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲، ص ۲۸۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق: ج ۴، ص ۱۱۲).

گفتنی است، همتایی و هماهنگی و تناسب صددرصد امکان ندارد، زیرا هر انسانی مغز، روح، اخلاق، تربیت، محیط و خانواده‌ی مخصوص به خود دارد و با دیگری فرق می‌کند، اما باید کوشش کرد تا جای ممکن این فاصله کمتر شود و دو همسر به هم نزدیک‌تر باشند (مظاهری، ۱۳۸۶: ۱۳۰). حال اگر با وجود تناسب و کفویت بین مرد و زن و میل و رغبت دختر به ازدواج با او، ولی از تزویج مولی‌علیه ممانعت کند، ولایت او ساقط می‌شود که در اصطلاح فقهی - حقوقی به آن عضل گفته می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۲۱، ۲ص؛ خمینی، ۱۴۱۲: ج ۲، ۲۵۴، ۲ص؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۲۵۵۰).

۲-۳- جایز بودن انحلال پیوند زوجیت در صورت ناسازگاری

از نکات دیگر تشبیه همسر به لباس این است که همان‌گونه که لباس قابلیت جدا شدن و خلع را داراست، امکان انحلال پیوند زناشویی نیز وجود دارد و بلکه قسمی از طلاق تحت عنوان خلع نامیده شده است، با این تعلیل که زوجین لباس یکدیگر بوده و خلع و نزع اتفاق می‌افتد (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۳۳)؛ از این رو بنا بر ماده (۱۱۲۰) قانون مدنی - که برگرفته از متون فقهی است - در صورت ناسازگاری اخلاقی زوجین با یکدیگر، نهاد حقوقی طلاق^۱ وضع شده و در موارد جواز فسخ نیز عقد نکاح از طریق فسخ منحل می‌شود؛ بنابراین در قوانین اسلام طلاق ممنوع نبوده و در موارد عدم سازش میان زوجین، مرد می‌تواند زن خود را طلاق دهد و زن نیز در موارد خاصی می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند. هیچ تردیدی نیست که طلاق بدون ضرورت مذکور از نظر اسلام امری مذموم و ناپسند است و در روایات متعددی، از جمله روایت ابوبصیر از امام صادق (ع) در نکوهش طلاق آمده است: «هیچ چیز مباحی ناپسندتر از طلاق در پیشگاه خداوند متعال نیست» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۵، ص ۲۷۹). افزون بر دستورهای اخلاقی، پاره‌ای شرایط و قیود و قواعد حقوقی برای محدود کردن طلاق قرار داده شده است که در عمل موجب تقلیل طلاق می‌شود؛ چراکه گفته‌اند: «هر چیز قیود و شرایطش زیاد باشد کمیاب می‌شود» (صفایی، ۱۳۸۰: ۱۹۵). از این رو شخصی که به مبانی اسلام پای‌بند و معتقد است، حتی‌الامکان از طلاق پرهیز داشته و عاقبت کار را می‌سنجد - که بدون ضرورت طلاق رخ ندهد - اما اگر ادامه‌ی زندگی زناشویی به مشکلاتی برخورد کند و اختلافات میان زوجین به کینه و دشمنی منجر شود - به‌طوری‌که سازش و توافق میان آنها غیرممکن شود و بیم آن رود که ادامه‌ی زندگی به گناه (مانند فحاشی و

۱. طلاق در لغت به معنی رهایی، آزاد کردن، ترک کردن، واگذاشتن و رفع حصر بوده (مصطفوی، ۱۴۰۲: ج ۷، ص ۱۱۱) و در اصطلاح شرعی عبارت است از زائل کردن پیوند نکاح با صیغه مخصوص «أنتِ طالق» و مانند آن (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۳۲).

ضرب و شتم) بیانجامد، برای رهایی از این بیم، امر طلاق نه تنها جایز بلکه مستحب دانسته شده است (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق:ج ۳، ص ۱۳۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق: ج ۶، ص ۳۲).

به راستی در اختلافات شدید میان زوجین اگر زن و شوهر ناراضی به اکراه و به زور قانون مجبور شوند که باهم به عنوان زن و شوهر زندگی کنند و به قهر و غضب - تنها به حکم قانونی که اجازه نمی‌دهد از یکدیگر جدا شوند و هر یک همسری متناسب با خود انتخاب کنند - به ادامه‌ی زندگی مشترک ناگزیر شوند، آیا می‌توانند شریک زندگی و دلسوز یکدیگر باشند؟! آیا با اکراه و اجبار و بی‌اعتمادی به یکدیگر زندگی مشترک واقعی وجود خواهد داشت؟! آیا این زندگی زناشویی با زور قانون، بدون اینکه خودشان بخواهند، برای هر دو تکلیف سنگینی نخواهد بود؟ با توجه به این قبیل مشکلات، طلاق در میان همه‌ی ملت‌ها و قوم‌های متمدن جهان معمول و متداول بوده و تنها در میان ملت مسیح - آن هم پس از صعود حضرت عیسی توسط روحانیون - ممنوع شد و فسخ عقد ازدواج را به وسیله‌ی مرگ امکان‌پذیر دانستند! ولی امروزه به تراضی یا حکم دادگاه با کمال سهولت طلاق در میان مسیحیان رواج یافته است! (آموزگار، ۱۳۵۵: ۴۷۶).

۱۴۱

۳- نکات اخلاقی - تربیتی

آیه‌ی شریفه مورد بحث - افزون بر دربرداشتن نکات قانونی - متضمن نکات اخلاقی - تربیتی است که زوجین به حکم شرع و اخلاق به رعایت آن مکلفاند از آنجاکه در قوانین موضوعه تنها به ملزم بودن زوجین به حسن معاشرت تأکید شده و جزئیات آن مطرح نشده است، این نکات می‌تواند تفسیر و تبیین آن باشد.

۳-۱- عیب نبودن فقر مالی همسر

همان‌گونه که پوشیدن لباس ارزان قیمت عیب نیست، داشتن همسر فقیر نیز عیب نیست، این امر در روایت نبوی نیز آمده: «هر کس با زنان تنها به خاطر زیبایی‌شان ازدواج کند در آن خیر و خوبی نبیند و هر کس برای مال و ثروت با آنها ازدواج کند، خداوند او را به همان مال وامی‌گذارد، بر شماسست که با دینداران ازدواج کنید» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۰، ص ۵۰). بر اساس روایتی از امام صادق (ع): «هر کس با زن دینداری به خاطر دین او ازدواج کند، خداوند مال و جمال را به او می‌دهد» (همان: ۴۹ و ۵۰)؛ و چنان‌که گفته شد، کفویت تنها در دین ملاک است و تمکن بالقوه یا بالفعل شوهر از تأمین نفقه‌ی همسر مطلقاً شرط صحت عقد نکاح نیست (العالمی، ۱۴۱۰ ق: ج ۵، ص ۲۳۸).

رکن اصلی تسکین و موفقیت خانواده، همدلی و همبستگی روحی و عاطفی است که با ثروت و زیبایی محقق نمی‌شود. آنچه دل‌ها را در انحصار خود قرار می‌دهد، تفاهم و مهربانی و دلسوزی است نه صورت زیبا. بدون تردید، غالب کشاکش‌های خانوادگی و طلاق‌ها و ریشه‌ی بسیاری از اختلالات رفتاری اجتماعی، مثل اعتیاد به سیگار، الکل و مواد مخدر در بین برخی از زنان و مردان متأهل را می‌توان در ناامنی روانی و فقر عاطفی فیما بین همسران جست‌وجو کرد. از این رو، فقر مالی مضر نبوده، بلکه فقر عاطفی و آرامش مشکل‌ساز است. همسران موفق وجودشان ارزشمندترین منبع محبت و رحمت است که در این رهگذر بیشترین نقش و والاترین ارج متوجه وجود پرمهر و شخصیت آرامش‌بخش زن است؛ بنابراین زن موفق کانون خانواده را بستر آرامش همسر، بوستان رویش جوانه‌های وجود و شکوفایی همه‌ی استعدادهای برتر می‌سازد؛ چراکه احساس امنیت خاطر، خمیر مایه‌ی تفکر پویا و خلاق و لازمه‌ی هر نوع نوآوری و کمال است. برای این‌که زن بتواند به شایستگی از عهده‌ی انجام این مسئولیت سترگ برآید، مسلماً حق دارد، بالاترین احساس خودارزشمندی، اعتماد به نفس، آسودگی خیال، نشاط درون و امنیت خاطر را داشته باشد. این تکلیف شرعی و مسئولیت اجتماعی شوهر است که با همه‌ی توان تلاش کند با پاسداری از حریم خانواده، حمایت همه‌جانبه از بانوی خانه و ایجاد فضای امن و محیط خوشایند در کانون خانواده، همواره با رفتاری عاطفی و منطقی، امنیت‌بخش وجود همسر و فرزندان باشد. به همین دلیل قرآن کریم شوهران را به لحاظ ویژگی‌های زیستی و روانی، پشتیبان و سنگر وجود همسران خود می‌داند: «الرجال قوامون علی النساء» (نساء: ۳۴)؛ (مردان سرپرست و پشتیبان و نگهبان زنان هستند). به بیان دیگر، کانون صفابخش خانواده، بوستان زندگی فرزندان در گستره‌ی گیتی است؛ مادران، باغبان و مربیان و شوهران حامیان و سنگربانان این باغ و بوستان هستند (افروز، ۱۳۸۶: ۱۶۳ و ۱۶۴).

۳-۲- سبب آرامش بودن

برخی از مفسران قرآن، مانند ابن عباس، مجاهد و قتاده معتقدند: «آیه‌ی شریفه مورد بحث بیانگر این است که زن و شوهر مایه‌ی آرامش یکدیگرند»؛ برای این مطلب به آیه‌ی شریفه: «و جعلنا اللیل لباساً» (نبا: ۱)؛ «شب را آرامش برای شما قرار دادیم» استشهد کرده‌اند (طوسی، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۵۰۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۴۶۱) البته در تکمیل این استدلال بایستی افزود که در آیه‌ی شریفه: «أنا جعلنا اللیل لیسکنوا فیہ و النهار مبصراً» (نمل: ۸۶)؛ «ما شب را برای آرامش آنها قرار دادیم و روز را روشنی‌بخش»، شب را مایه‌ی آرامش معرفی کرده است.

در تحلیل این معنا می‌توان گفت، همانطوری که لباس به انسان برهنه آرامش می‌بخشد - چراکه انسان بی‌تن‌پوش بسیار نگران و پریشان است - همسران رفیق و شفیق نیز لباس گرم و آرامش‌بخش یکدیگرند. بیشتر زنان و مردان بالغی که بدون دلیل موجه تن به ازدواج نمی‌دهند و روزگار خود را با تنهایی سپری می‌کنند، گاهی به ناامنی روانی، تشویش و اضطراب مبتلا می‌شوند، درحالی‌که ازدواج و همراه شدن با همسر موجب اضطراب‌زدایی و آرامش است. به راستی بر اساس کلام حق - که کامل‌ترین منشور روان‌شناختی انسان است - در تأمین آرامش روان و سکینه‌ی خاطر زوجین، بیشترین نقش برعهده‌ی وجود ارزشمند و آرامش‌گر زن است که می‌بایست مرد، شرایط لازم و فضای مطلوب و خوشایند و آرامش‌بخشی و دل‌آرامی زن را فراهم کند. یکی از معانی کلام الهی که می‌فرماید: «الرجال قوامون علی النساء» (نساء: ۳۴) این است که مردان نگهبان گل وجود پر مهر و عطوفت زنان هستند (افروز، ۱۳۸۶: ۵۲).

در قرآن کریم آمده است: «هو الذی خلقکم من نفسٍ واحدةٍ و جعل منها زوجها لیسکن لیهما» (اعراف: ۱۸۹)؛ (او خدایی است که شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او آرام بگیرد)؛ لذا مهم‌ترین تکلیف و قابلیت زن - به عنوان ستون اصلی خیمه‌ی خانواده - آرامش‌گری است و این بزرگ‌ترین مسئولیت، کارآمدترین همت و والاترین کمال زن است که مایه‌ی آرامش روان به شمار می‌آید. خمیر مایه‌ی قابلیت ممتاز آرامش‌گری نیز مهر و محبت و مودت است؛ «و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجا لتسکنوا لیهما و جعل بینکم مودةً و رحمةً إن فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» (روم: ۲۱)؛ «و از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار دارد در این معنا نشانه‌هایی است برای اهل تفکر».

کلمه‌ی «مودت» تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقابل عمل ظاهر باشد، در نتیجه، نسبت مودت به محبت نسبت خضوع است به خشوع؛ چون خضوع آن خشوعی را گویند که در مقابل عمل اثرش هویدا شود، به خلاف خشوع که به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده‌ی عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید؛ و «رحمت» به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده‌ی محرومیت محرومی که کمال ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب دل را وادار می‌کند که او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند. یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه‌ی کوچک خانواده است، چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند و این دو با هم به خصوص زن، فرزندان کوچک‌تر را رحم می‌کنند - چون در آنها ضعف مشاهده می‌کنند و می‌بینند که طفل کوچکشان نمی‌تواند

حوادث ضروری زندگی خود را تأمین کند - لذا آن محبت و مودت و ادارشان می‌کند که در حفظ و حراست و تغذیه و لباس و تربیت او بکوشند و اگر این رحمت نبود، نسل به کلی منقطع می‌شد و هرگز نوع بشر دوام نمی‌یافت. نظیر این مورد، مودت و رحمتی است که در جامعه‌ی بزرگ شهری مشاهده می‌شود، آنچه از سیاق آیه برمی‌آید مراد همان مودت و رحمت خانوادگی است، هرچند که اطلاق آیه شامل دومی نیز می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ص ۲۵۰).

همچنین سکونت و مودت بیان شده، یک امر قراردادی و اعتباری نیست، زیرا امر اعتباری ممکن است نقض شود و تغییرپذیر است؛ در حالی که آیه‌ی شریفه از مودت و رحمتی سخن می‌گوید که تغییر کردنی و نقض‌پذیر نیست، هرچند ممکن است زن به عنوان موجود صاحب اراده و اختیار به سکونت ظهور فعلی نبخشد. همچنین امر قراردادی صوری بوده و واقعیت و حقیقتی در خارج ندارد؛ در حالی که آیه شریفه از سکونتی واقعی و حقیقی سخن می‌گوید. زن واقعاً مایه‌ی سکونت است و مودت و رحمت بین مرد و زن، مودت و رحمتی واقعی است و اینکه امر اعتباری ممکن است تحمیلی باشد؛ در حالی که سکونت زن برای مرد امر تحمیلی نیست، یک احساس درونی است که همراه با ساختمان روحی زن است (امین‌زاده، بی‌تا: ۲۹۹).

۱۴۴

به اعتقاد برخی از محققین، راز اصیل آفرینش زن غیر از گرایش غریزی و اطفای شهوت است که خداوند از آن خبر می‌دهد. قرآن کریم در آیات ۱۸۹ سوره‌ی اعراف و ۲۱ سوره روم (که ذکر شد)، اصالت را در ایجاد آرامش به زن داده و او را در این امر روانی اصل دانسته و مرد را مجذوب مهر زن معرفی می‌کند. ضمن آنکه حقیقت هر دو را یک گوهر دانسته و هیچ امتیازی از لحاظ مبدأ قلبی آفرینش بین آنها قائل نیست. منظور از نفس واحده همان حقیقت واحد و گوهر واحد است، چنان که هیچ امتیازی بین انسان اولی و غیراولی نیست، این‌گونه تعبیرها همانند تعبیر به بنی‌آدم است که شامل همه‌ی انسان‌ها می‌شود. منظور از کلمه‌ی زوج در آیه‌ی شریفه (جعل منها زوجها) زن است. بهترین تعبیر از زن کلمه‌ی زوج است که جمع آن ازواج است، نه زوجه که جمع آن زوجات می‌باشد و تعبیر از زن به کلمه‌ی زوج فصیح نیست؛ لذا در هیچ قسمت از قرآن کریم از زن به عنوان زوجه و از زنان دنیا و آخرت به عنوان زوجات یاد نشده، بلکه فقط به عنوان زوج و ازواج یاد شده است. چون عنوان زن با تعبیر زوج مطرح شد، قهراً مرد به عنوان شوهر از آیه استفاده می‌شود و ضمیر مذکر در «لیسکن» به مرد برمی‌گردد، یعنی مرد بدون آفرینش زن سکونت و آرامش ندارد و نیازمند انیس است. ضمیر مؤنث «إلیها» نیز به زوج باز می‌گردد، یعنی زن؛ و مفاد آن چنین می‌شود که گرایش انسی مرد به زن است و بدون آن مانوس نیست و با وی انس گرفته و آرام می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۳۸).

۳-۳- مصون داشتن از آفت‌ها

برخی از مفسران معتقدند، کلمه‌ی لباس در همان معنای معروفش ظهور دارد، یعنی جامه‌ای که بدن آدمی را می‌پوشاند و انسان را از آفت‌ها و آلودگی‌های محیطی مصون می‌دارد. تعبیر زوجین به لباس، استعاره است، برای اینکه هریک از زن و شوهر طرف خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بین نوع افراد جلوگیری می‌کند، پس در حقیقت مرد ساتر زن و زن ساتر مرد است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۶۴) و آن پرده‌ی وقاری که از رابطه‌ی زناشویی مشروع بر چهره ظاهر و درونی انگیزه‌های حیوانی و طغیان شهوت کشیده می‌شود، حافظ رسوایی و پرده‌داری و سبک‌سری است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۵۰۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۴۶۱؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۷۲ و ۷۳).

به عبارتی روشن‌تر، همسران هوشیار و مسئولیت‌پذیر با رفتار صمیمی و محبت‌آمیز توأم با عطوفت و خوش‌رویی و تلاش مستمر در ارضای مطلوب نیازهای روانی و تمایلات نفسانی شریک زندگی خود، همدیگر را از محرک‌های آسیب‌زای روانی، وسوسه‌های ویرانگر شیطانی، جاذبه‌های رفتاری و کلامی نامحرم‌ان و کژروی‌های دوستان محافظت می‌کنند؛ چراکه در بسیاری از مواقع، سردی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها، پرخاشگری‌ها و گاه قهرها و جدایی‌ها بین زوجین ناشی از آن است که آنها نتوانسته‌اند به گونه‌ای که انتظار می‌رود، پاسخ‌گوی نیازهای روانی و تمایلات نفسانی یکدیگر باشند و مصونیت روانی لازم را ایجاد کنند و عمدتاً به دلیل همین ناکامی‌ها - که به ظاهر، تبلور بیرونی چندانی ندارد - گاهی شاهد آسیب‌پذیری‌های نفسانی یکی از زوجین و یا هر دو هستیم. به همین دلیل زن و شوهر می‌بایست، مطلوب‌ترین لباس و مقاوم‌ترین و نفوذناپذیرترین پوشش روانی و حمایتی یکدیگر باشند و با توجه به نیازهای روانی و تمایلات طبیعی همدیگر و ارضای مطلوب آنها، زمینه‌ی آرامش روانی را در یکدیگر فراهم کنند.

۳-۴- اسباب زینت بودن و تنوع بخشیدن به زندگی

در برخی از کتب تفسیری گفته شده است: «مراد از لباس یکدیگر بودن زوجین این است که آنها حافظ شئون یکدیگر و اسباب زینت هم هستند؛ چنانکه لباس حافظ بدن و باعث زینت انسان است» (طیب، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۴۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۶۴۸)؛ یعنی از آنجا که لباس به نمای ظاهری فرد تنوع می‌بخشد و سبب آراستگی ظاهری انسان در محیط اجتماعی می‌شود، زوجین نیز بایستی لباسی برازنده برای یکدیگر باشند و خود را به زینت‌های اخلاقی مزین کنند، از هر فرصت و از هر عاملی برای پیشگیری از کسالت روانی، زدودن رگه‌های افسردگی و تنوع

بخشیدن به روابط فی‌ما بین و در یک کلام، خوشایندی زندگی خانوادگی بهره گیرند. خوش‌بینی و خوش‌خلقی، زیباگویی و گزیده‌گویی برای همسر و استقبال از کلام و رفتار وی، متصف شدن به صفات متعالی اخلاقی، گشاده‌رو بودن و ... از جمله عوامل مؤثر در تنوع بخشیدن به زندگی مشترک است (افروز، ۱۳۸۶: ۵۲).

در راستای تحقق بخشیدن به این هدف، آراستگی ظاهری زوجین نیز مهم است، به‌خصوص در دنیای امروز که وسوسه‌ها و عوامل انحراف زیادند. افراد در محیط خارج خانه و حتی در داخل خانه به علت ارتباط با گفته‌ها و نوشته‌ها و دیده‌ها و شنیده‌ها در معرض خطرات بسیاری هستند، فضاهای باز اجتماعی با همه‌ی جنبه‌های مثبت این عیب را دارد که میل به تنوع‌طلبی را در افراد تشویق می‌کند. زوجین با آراستگی خود موجبات عفت و تقوای همسر را فراهم کرده و او را به زندگی با خود دلگرم می‌کنند. سفارش شده است، به مقدار متعادلی باید خودنمایی همسر را پذیرا شد و با چهره‌ی گشاده‌ای وضع او را تحسین کرد، این امر برای استحکام زندگی ضروری است. تجارب کسانی که در زندگی خانوادگی آرامش نسبی بیشتر دارند، همین امر را نشان می‌دهد (قائم، ۱۳۷۴: ۲۲۰).

نزاکت اخلاقی اقتضا می‌کند، زن و مرد فقط وقتی که می‌خواهند از خانه خارج شوند، خود را آراسته نکنند، بلکه در خانه برای همسر و به عنوان یک تکلیف این کار را انجام دهد. زن دوستدار زیبایی و آراستگی بوده و خداوند در اصل خلقت، زنان را زیباپسند و نطافت‌دوست آفریده است. چنان‌که امام علی (ع) فرموده است: «همت و کوشش زنان به زینت دادن زندگی دنیا متوجه است» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ق: خطبه ۱۵۲، ص ۱۷۵)؛ از این‌رو زنان در مورد نطافت محتاج به سفارش زیاد نیستند، ولی مردان به خاطر همت گماشتن به کسب و حرفه، کمتر به نطافت اهمیت می‌دهند و نیاز به سفارش دارند. گفتنی است، درباره‌ی نطافت بیش از هزار و هشتصد آیه و روایت وارده شده است (مصطفوی، ۱۳۷۰: ۶۴ و ۶۵)؛ بنابراین مرد بایستی خود را برای همسرش بیاراید، زیرا همان‌گونه که او طالب آراستگی زن است، زن نیز همین خواسته را از شوهر خود دارد - هرچند آن را بر زبان نیاورد - و اگر شوهر به این امر توجه کافی داشته باشد، قدم بزرگی در حفظ حیا و عفت همسرش برداشته است - چراکه در غیر این صورت ممکن است زن تحت تأثیر جاذبه‌های مردان پاکیزه و آراسته قرار گیرد و از حیا و عفت او کاسته شود و یا آن را به کلی از دست دهد (استری، ۱۳۸۷: ۲۶). حسن‌بن‌جهم می‌گوید: «حضرت ابوالحسن (ع) را دیدم که موهای خود را خضاب کرده بود، گفتم: فدایت شوم شما هم خضاب می‌کنید؟ فرمود: آری، اصلاح و آمادگی مردان بر عفت زنان می‌افزاید. زنانی بودند که عفت را رها کردند، بدان دلیل که شوهرانشان اصلاح تن و آمادگی را

ترک کردند، سپس فرمود: آیا خوشت می آید وقتی که ناآماده هستی، همسرت را نیز مانند خودت ببینی؟ گفتم: نه فرمود: او نیز چنین است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج: ۲۰، ص: ۲۴۶).

همچنین پیامبر اسلام (ص) با ظرافت خاصی نسبت به استعمال عطر و ماده‌ی بویا میان زن و شوهر فرق گذاشته است، بر این اساس به زن دستور می‌دهد، از مواد خوشبو ماده‌ای را استعمال کند که بیشتر رنگ داشته باشد و کمتر بو و مردان ماده‌ای را استعمال کنند که بویش بیشتر و رنگش کمتر باشد (پابنده، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

زن و شوهر به خاطر نزدیکی بسیاری که با یکدیگر دارند و به واسطه‌ی همسری و همخوری و همخوابگی از بوی دهان یکدیگر متأثر می‌شوند، از بوی خوب دهان یکی، دیگری شاد و از بوی بدش، افسرده و متنفر می‌شود. اگر زنی از شوهرش به خاطر گند دهان او تقاضای طلاق کند، حق دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بهترین زنان امتم کسانی هستند که دهانشان معطر و خوشبوتر باشد» (پابنده، ۱۳۸۶: ۳۳۶؛ مصطفوی، ۱۳۷۰: ۸۹ و ۹۰).

نزاکت زندگی ایجاب می‌کند، که آراستگی زن و شوهر تا پایان عمرشان ادامه یابد. سر و وضع ظاهر باید به گونه‌ای باشد که طرفین رغبت کنند در کنار یکدیگر بنشینند و معاشرت کنند، به ویژه آنکه پس از چند صباحی که از زندگی بگذرد، طرفین حسابگری و حسابرسی کرده و عیوب یکدیگر را برملا می‌کنند (قائمی، ۱۳۷۸: ۲۱۹).

گفتنی است، هر چند خودآرایی زوجین ضروری است، نبایستی در این امر زیاده‌روی کرد؛ چراکه اگر بنا شود، پایه‌های جلب و جذب فقط به زیبایی ظاهری باشد و از معنویت و درون خالی باشند زندگیشان دوام نخواهد داشت. در برخی موارد برای جاذبه داشتن خرج تراشی‌هایی می‌شود که ضمن اسراف، بگو مگوهای پدید می‌آورد که خود سرمنشأ بسیاری از درگیری‌های بعدی است. اساس زندگی را باید بر احترام متقابل و تفاهم گذاشت و گرنه خودآرایی و دل‌ربایی تا مدتی مؤثر است و پس از آن عادی می‌شود و جذابیت را از بین می‌برد (امینی، بی‌تا: ۳۰۱).

نکته‌ی دیگر اینکه هرگونه خودآرایی و خود عرضه کردن برای نامحرم، حرام و آراستگی برای همسر مستوجب ثواب است. بنا به فرموده‌ی حضرت رسول اکرم (ص)، اگر زنی خود را معطر کند و از خانه خارج شود تا زمانی که به خانه برگردد، لعن می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج: ۲۰، ص: ۱۶۱). در حدیث دیگری از امام صادق (ع) آمده است: «هر زنی خود را بر غیر شوهرش معطر و خوشبو کند، نماز او مقبول واقع نمی‌شود، مگر اینکه آن بو را از خود بشوید، همان گونه که باید خود را از جنابت پاک کند» (همان، ۱۶۰).

البته هیچ کس منکر آراستگی ظاهر با حفظ ارزش‌های الهی در خارج از خانه و ارتباطات اجتماعی نیست، سخن این است که از حق طبیعی همسر و جاذبه‌های حیات مشترک کاسته نشود.

۳-۵- مفهوم بخشیدن به اصالت خانواده

برخی از محققین معتقدند، تعبیر به لباس رابطه‌ی بین زن و مرد را در تلقی اصالت خانواده کاملاً مشخص می‌کند که آنها دو تا شریک خانواده نیستند، اصلاً یکی هستند و نام آن خانواده است و برخلاف غرب که در شکل ازدواج فعلی و تشکیل خانواده به عنوان مناز (همسری) - نه فامیل - زن و مرد را به عنوان دو موجود مستقل تمام در کنار هم می‌نشانند، اسلام در مفهوم اصالت خانواده، زن و مرد را به عنوان دو نیمه‌ی تمام که در خانواده یک موجود تمام را می‌سازند و مکمل یکدیگرند تلقی می‌کند (شریعتی، ۱۳۷۷: ۲۵۱).

۳-۶- گرما بخشیدن و زدودن سردی‌ها

همان‌طور که لباس به تن آدمی گرما می‌بخشد، همسران نیز گرمابخش دل‌های یکدیگرند و از حرارت این گرمای مطبوع، دل‌ها آرام، جان‌ها راحت، بارقه‌های امید روشن، انگیزه‌های تلاش مضاعف و غنچه‌های حیات و گل‌های وجود کودکان شکوفا می‌شود. از طرف دیگر، لباس سردی‌ها را می‌زاید و زوجین نیز به دور از سردی‌ها و تنش‌ها از صمیمی‌ترین روابط بهره‌مند می‌شوند و با سپری از گرمای وجود، با رخنه‌ی هرگونه سردمزاجی و مداخله‌ی وسوسه‌های شیطانی مقابله می‌کنند.

یکی از عواملی که می‌تواند در زدودن سردی‌ها و صمیمیت بخشیدن به روابط زوجین مؤثر باشد، اعلام محبت زوجین به یکدیگر است. چه بسیارند زنان و شوهرانی که تشنه‌ی محبت‌اند و دوست دارند اعلام محبت همسر خود را از زبان آنها بشنوند، ولی برایشان ممکن نمی‌شود و چه بسیارند زنان و شوهرانی که یکدیگر را بسیار دوست می‌دارند، ولی آن را به زبان نمی‌آورند (زمانی، ۱۳۵۰: ۱۷۱). در این باره پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) فرموده‌اند: «اگر مرد خطاب به همسرش بگوید دوست دارم، هرگز از قلب او بیرون نمی‌رود» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۵۶۹). همچنین امام صادق (ع) نیز فرموده‌اند: «محبت به همسر از اخلاق پیامبران است» (طبرسی، ۱۴۱۳: ق: ۱۹۷).

یکی از خصوصیات برتر همسران موفق، توان آنها در ابراز محبت - این ودیعه‌ی گرانقدر الهی - است. در حقیقت محبوب مطلق خداست و خالق محبت و اهداگر آن نیز اوست، پس محبت هر محبوب، آیتی از رحمت خداوندی، جلوه‌ای از جمال احدی و قطره‌ای از اقیانوس بی‌کران فضل

اوست و بالاترین درجه‌ی ایمان نیز محبت ذات حق و راه حق است. به همین دلیل، زنان و مردان موحد شاکرانه و مخلصانه به خاطر خدا و در طریق نیل به فلاح همواره پرمعناترین محبت‌ها را در طول زندگی و در شرایط و موقعیت‌های گوناگون تقدیم یکدیگر می‌کنند. البته ابراز محبت تنها به زبان نیست، باید در عمل نیز به نوعی رفتار کند که او چنین احساسی بکند و اگر به دلیل مشغله زیاد نمی‌تواند در عمل به همسر خود کمک کند، حداقل نیت خود را به اطلاع او برساند تا بدینوسیله احساس دلگرمی کند (حقانی زنجانی، بی تا: ۳۱۹).

گفتنی است، اسلام همان اندازه که در مورد محبت نسبت به زن و فرزند سفارش کرده، از زیاده‌روی هم منع فرموده است. پدر خانواده وقتی بیش از حد تسلیم خواسته‌های خوب و بد خانواده‌ی خود می‌شود، بزرگ‌ترین ضربه را از نظر روحی و روانی به آنها می‌زند، زیرا اهل خانه را نازپرورده و زودرنج پرورش می‌دهد که با کوچک‌ترین ناملایمات آزرده می‌شوند. همچنین لازمه‌ی افراط در محبت درباره‌ی زن و فرزند، از دست دادن محبت خدا و رسول او و جهاد در راه خداست. انسان به فرموده‌ی قرآن موجودی است که دوست دارد به هر چیز دلخواه خود دسترسی پیدا کند و به یقین این آزادی به صلاح اهل خانه نیست؛ چراکه به اعمال خلاف شرع منجر خواهد شد؛ بنابراین باید مربی خانواده نباید اجازه دهد، تمایلات اهل خانواده از حد اعتدال و مرز دین خارج شود. این مطلب با رهنمودهای قرآنی نیز مطابقت دارد؛ چنان‌که در آیه‌ی شریفه‌ی «یا ایها الذین آمنوا لا تلهکم أموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله و من یفعل ذلک فأولئک هم الخاسرون» (منافقون: ۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموالتان و اولادتان شما را از یاد خدا سرگرم‌تان نکند و هر که چنین کند، آنها زیان کارانند» فرموده است (ارفع، ۱۳۸۳: ۵۴).

۳-۷- پوشانیدن عیب‌ها و محرم راز هم بودن

لباس رازدار متلبس خود بوده و عیوب او را می‌پوشاند و از چشم عیب‌جویان دور نگه می‌دارد. همسران با لباس محبتی که بر قامت جسم و جان هم می‌پوشانند، همه‌ی ضعف‌های احتمالی اخلاق و خطاهای یکدیگر را از دید دیگران و حتی نزدیک‌ترین نزدیکان خود مستور می‌دارند، به‌گونه‌ای که حتی پدران و مادران، خواهران و برادران و دوستان ایشان نیز از عیوب احتمالی همسرشان با خبر نمی‌شوند. زنان و مردان هوشمند و عاقل که الگوی زندگی‌شان حضرت فاطمه زهرا (س) و امام علی (ع) است، هیچ‌گاه حکایت نارسایی‌ها و شکایت همسران خود را نزد اعضای خانواده‌ی پدری خویش نمی‌برند و همواره تلاش می‌کنند، بین همسر و والدین و برادران خود تألیف قلوب کنند. این معنا با آنچه خداوند متعال در فلسفه‌ی پیدایش لباس فرموده است: «یا

بنی آدم قد ازلنا علیکم لباساً یواری سوءاتکم» (اعراف: ۲۶)؛ «ای فرزندان آدم! برای پرده‌پوشی از بدی‌های شما لباس را فرود آوردیم» مطابقت دارد.

همسران، همگامان طریق رشد و فلاح و راه‌یابان به خلوت درون و اسرار نهران همدیگر همیشه با عزمی استوار و اراده‌ای خلل‌ناپذیر با صبوری و متانت و در موقعیت‌های گوناگون در غم و شادی، سلامت و بیماری، آرامش و عصبانیت، فقر و غنا، کامیابی و ناکامی و ... کلیدداران امین گنجینه‌ی عزت و حیا، پاسداران حریم عصمت و نگهبانان سر و آبروی فردی و اجتماعی یکدیگر خواهند بود، چراکه عیب‌پوشی و رازداری از صفات خداوندی و از برجسته‌ترین ویژگی‌های انسان‌های باتقوا و رشد یافته است (افروز، ۱۳۸۶: ۴۸-۴۶).

افزون بر آن، از منظر فقهی عیوب مرد و یا زن - جز در بیماری‌های خاص^۱ - موجب جواز فسخ عقد نکاح نیست (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۲۶۲؛ العاملی، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۳۸۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۳۱۸). در دین مقدس اسلام همواره بر استحکام بخشیدن به پیوند زناشویی و عفو و گذشت از عیوب یکدیگر تأکید و سفارش شده است. بر این اساس، علاوه بر آیه‌ی شریفه‌ی «هن لباس ...»، روایات متعددی از معصومین (ع) نیز نقل شده که بر پوشاندن عیوب یکدیگر به طور عام و عیوب همسران به طور خاص سفارش کرده است، به طوری که در برخی روایات ذکر عیوب مردم گناهانی محسوب شده است که موجب تغییر نعمت‌هاست (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۶، ص ۲۸۱) و در برخی دیگر تصریح شده که صبر و تحمل بر عیوب و بدخلقی همسر، پاداش شاکرین را به دنبال دارد (همان: ۱۷۴)، پای‌بندی به این توصیه‌های اخلاقی باعث می‌شود، فضای خشونت‌آمیز در زندگی به وجود نیاید و گلستان زندگی به وادی بی‌زرع و بی‌حاصل تبدیل نشود.

حاصل سخن اینکه پوششی که ازدواج برای دو طرف به وجود می‌آورد، ضعف‌ها و بدی‌های آنها را می‌پوشاند و زخم‌های آنها را می‌بندد. در واقع، آنجا که محبت و علاقه شکل می‌گیرد، طرفین با عیب‌گویی و باز کردن زخم‌ها شروع نمی‌کنند، بلکه با درمان و پوشاندن آن از شیوع آن جلوگیری می‌کنند تا به دور از دشمنی‌ها و حسادت‌ها و شماتت‌ها و تحقیرها مداوا و درمان

۱. عیوب موجب فسخ نکاح به طور مبسوط در کتب فقهی و حقوقی مطرح شده است. به طور اختصار می‌توان گفت که در قانون مدنی کشورمان در مواد ۱۱۲۱، ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ چنین آمده است:

«جنون هر یک از زوجین، به شرط استقرار اعم از این که مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است.»
«عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود: الف. خصا. ب. عنن به شرط این که ولو یک‌بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد. ج. مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد.»
و «عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود: الف. قرن. ب. جذام. ج. برص. د. افضا. هـ. زمین‌گیری؛ و. نابینایی از هر دو چشم.»

گفتنی است اغماص و صرع، بلاهت و سفاقت موجب حق فسخ نمی‌گردد (امامی، بی‌تاج، ۴: ۴۶۱).

انجام شود. قرآن کریم در مورد غیبت از همین عنصر محبت و ایمان کمک می‌گیرد و خطاب به مؤمن عاشق می‌گوید. چگونه یکی از شما گوشت برادر مرده خود را می‌خورد و او را در دل و چشم دیگران حقیر می‌کند! «ولا یغتب بعضکم بعضاً أیحب أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتاً فکرمته» (حجرات: ۱۲)؛ «بعضی از شما غیبت بعضی دیگر نکنند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟! پس از آن کراهت دارید».

۳-۸- نزدیک‌ترین همراه بودن

لباس نزدیک‌ترین همراه، پیوسته‌ترین جزء و سایه‌بان همیشگی وجود انسان است. گویی انسان و لباس او حقیقت واحدی را تشکیل می‌دهند، زوجین نیز نزدیک‌ترین یاران یکدیگرند و لباس وحدت اندیشه و آرمان همدیگر به شمار می‌آیند. به‌راستی که نزدیک‌ترین کس انسان بعد از ذات اقدس خداوندی - که عالم بر ذات‌الصدور و آگاه به نیت‌هاست: «لقد خلقنا الإنسان و نعلم ما توسوس به نفسه ونحن أقرب إليه من حبل الوريد» (ق: ۱۶)؛ «همانا انسان را آفریدیم و آنچه که نفس به آن وسوسه می‌کند می‌دانیم و ما به او از رگ گردن نزدیک‌تریم» - وجود ارزشمند همسر است. آری تنها همسر انسان است که از آغازین لحظات زندگی مشترک در گذراندن روزها، ماه‌ها و سال‌ها در صبح و شام، در نهران و آشکار، در کامروایی‌ها و ناخوشی‌ها و ... به تدریج بر خصیصه‌های شخصیتی و ویژگی‌های حاکم بر نفسانیات زوج خود آگاه می‌شود؛ به عبارت دیگر، هیچ‌کس در حیات دنیوی مانند همسران با ویژگی‌های شناختی، روانی و انگیزه‌های شخصیتی و اجتماعی همدیگر آشنا نیستند؛ چراکه همسران نزدیک‌ترین انسان‌ها به یکدیگرند و از سودای دل چنین نزدیکی، وحدت نظر و یکدلی را احساس می‌کنند (افروز، ۱۳۸۶: ۵۳ و ۵۴).

از نزدیک‌ترین یار و همراه بودن زوجین چنین استفاده می‌شود که آنها بایستی در موارد گرفتاری و ناراحتی نسبت به هم دلجویی داشته و جویای احوال یکدیگر باشند، اگر صدمه‌ای و لطمه‌ای در عالم حیات بر یکی از آنها وارد آید، بکوشند با مهربانی و اخلاق او را تسلیت دهند، اگر مرد یا زن در عالم اندیشه و تخیل و انزواست از او علت را جویا شوند و برای رفع و جبران آن کوشش کنند. از این‌رو هر یک از زوجین برای یکدیگر باید نقش یک پرستار یا یک روان‌پزشک را ایفا کند.

۳-۹- تکریم و احترام متقابل

یکی از مسائلی که انسان‌ها همواره در رابطه با لباس خود رعایت می‌کنند، آن است که بعد از متلبس شدن به آن، آن را دارای ارزش و محترم می‌شمارند؛ چراکه آن را به اختیار خود انتخاب کرده و در قبال آن مالی را هزینه کرده است و هر فردی مال خود را محترم و ارزشمند می‌شمارد

و آن مال دارای منافعی برای او دارد، از این نکته در مرتبه‌ی، بالاتر می‌توان چنین استفاده کرد و اذعان داشت که مرد و زن نیز پس از اینکه به اختیار خود عقد نکاح را منعقد کرده‌اند و افزون بر صرف مال از آبرو و حیثیت و عواطف و احساسات خود نیز مایه گذاشته‌اند، بدان ارزش و احترام مضاعفی قائل خواهند بود و همواره یکدیگر را تکریم کرده و مانع درگیری و فروپاشی پیوند میان خود خواهند شد، زیرا بسیاری از ناملایمات و جدل‌ها در محیط خانوادگی وقتی شروع می‌شود که حرمت و احترام زن یا مرد از بین رفته باشد، در چنین وضعی درگیری بین آن دو آغاز می‌شود؛ درحالی‌که اگر زن و مرد احترام یکدیگر را رعایت کنند و پرده‌ها کنار نرفته باشد، هرگز نزاع نمی‌کنند. احترام و تکریم همسر - به خصوص در برابر دیگران - امری بسیار حیاتی است، زیرا انسان‌ها در برابر دیگران حساسیت خاصی دارند.

رعایت احترام یکدیگر ایجاب می‌کند که وقتی یکی از آنها اشتباه کرد، فرد مقابل با گذشت و کرامت از کنار آن بگذرد و خطا و اشتباه وی را آشکارا بیان نکند. بدیهی است، همین تغافل می‌تواند همانند یک عامل تربیتی، شخصی را که به خطا و اشتباه افتاده است، متنبه کند. مسلماً این شرایط وقتی فراهم می‌شود که زن و مرد حد وجودی و ارتباطی خویش را حفظ کنند و از گلیم خود قدمی فراتر نگذارند (رشیدپور، ۱۳۸۶: ۹۸).

همچنین زوجین در همه حال و در عین صمیمیت، بایستی با تکریم شخصیت و با نهایت ادب و احترام یکدیگر را مخاطب قرار دهند و با حفظ معیارها و ارزش‌های والای الهی در جمع محترم خانواده همواره با احساس و تعلق خاطری توأم با ابراز مهر و محبت یکدیگر را بخوانند. امام علی (ع) و حضرت زهرا (س)، کامل‌ترین اسوه‌ها و الگوها در تاریخ حیات انسان‌ها همیشه با نهایت محبت و تکریم شخصیت یکدیگر را صدا می‌زدند.

همسران برتر هنگام خروج همسرشان از منزل او را به گرمی و با دعای خیر مشایعت می‌کنند و زمانی که به خانه برمی‌گردند، با چهره‌ای گشاده و جذاب و آراسته در را به رویش می‌گشایند و با نهایت صمیمیت و مهر و صفا به استقبال وی رفته، پذیرایش می‌گردند (افروز، ۱۳۸۶: ۷۳ و ۷۴)؛ از این رو، زنان باید متوجه باشند که بعضی چیزها گرچه به ظاهر کوچک به نظر می‌آید، ولی برای حفظ حریم شوهر و گرمی کانون خانواده مهم و کارسازند. پس یک بانوی موفق برای تکریم شوهر خود می‌کوشد از انجام دادن هر عملی که موجب ناراحتی شوهرش می‌شود و از گرمی کانون خانواده می‌کاهد، خودداری کند (حسن‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۱). در مقابل، مردان نیز باید بدانند که زن موجودی شریف و پربهاست که فرشته‌گونه بال تواضع و فروتنی گشوده و با او انس گرفته، مبادا به او بی‌احترامی و شخصیت او را پایمال کنند و از عبارات تحقیرآمیز درباره‌ی او باید بپرهیزند (همان: ۸۵).

از امام صادق (ع) نقل شده که امام محمد باقر (ع) چنین فرمودند: «هر کس زنی را به همسری بگیرد باید او را گرامی بدارد؛ چراکه زن لعبه‌ای^۱ است که هر که او را گرفت نباید ضایع کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۶۷). همچنین رسول اکرم (ص) درباره‌ی ناسازگاری رابطه‌ی زوجیت با عدم تکریم زوجین فرموده‌اند: «کدام یک از شما زن خود را می‌زند و سپس با او هم‌آغوش می‌شود» (همان).

۳-۱۰-۱- مکمل یکدیگر بودن

بی تردید داشتن لباس موجب کامل شدن متلبس به آن می‌شود و هر فردی برای محافظت از جان و سلامتی خود احتیاج به لباس داشته و بدون آن ناقص است؛ چراکه می‌توان گفت از نیازهای اولیه‌ی بشر داشتن لباس است و پس از نیاز بشر به اکسیژن و غذا (خوراک)، لباس و پوشش نیاز بعدی او به شمار می‌رود. از این رو نکته‌ی دیگری که از تشبیه زوجین به لباس می‌توان استفاده کرد این است که هر یک از زوجین برای تکمیل خود در جهات مختلف زندگی نیاز به دیگری دارند، به طوری که در روایات معصومین (ع) و در کتب فقهی (باب مقدمات نکاح) آمده است، هر کس از دواج کند نیمی (همان: ۱۷) و یا دو سوم از ایمانش (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۴۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۶۱) را حفظ کرده است. همچنین دو رکعت نماز شخص متأهل برتر از هفتاد رکعت نماز شخص مجرد (عزب) دانسته شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۹)، یعنی هر انسانی با توجه به ابعاد جسمی و روحی خود و غرایزش برای تکمیل دین خود احتیاج به همسر دارد و با داشتن همسر راه ارتقاء و تکامل برای او میسر خواهد شد.

اصولاً موضوع تکامل یکی از اهداف و مقاصد ازدواج است و زن و شوهر در سایه‌ی ازدواج و پیوند باهم بی می‌برند که فردی کامل شده‌اند. دختر وارد دنیای زنان و مادران و پسر وارد دنیای مردان و پدران می‌شود. این امر به ویژه آن زمان شکل می‌گیرد که پیوند زناشویی با معنویتی همراه باشد و زن و شوهر در سایه‌ی آن احساس کنند سکونی یافته و به خدا نزدیک‌تر شده‌اند. چنین صورتی منتهای مقصد و هدف است و آدمی در اثر آن خود را تحت نظام الهی می‌یابد (قائمی، ۱۳۶۳: ۵۸).

۱. لعبه واژه‌ای است از «لعب» به معنای سخن یا عملی که از آن منظور مفید و عقلانی اراده نمی‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۱۴۸؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۰: ۱۹۷). از این رو آنچه موجب بازی و سرگرمی شود لعبه گفته می‌شود (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۷۰). اما اینکه از زوجه به لعبه تعبیر شده بیانگر آن است که شوهر مجاز به ملاحظه با او است، هر ملاحظه‌ای که خلاف شرع نباشد؛ و این تعبیر اشاره به مورد توجه قرار دادن زوجه، حفظ و حراست از او و عدم آزار و اذیت او و رفاقت و دوستی با او دارد (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۴: ۶۳؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۴۵۱).

برخورداری از اندیشه‌ی متعالی و زندگی هدفمند و معادگرا، پایداری در صراط مستقیم، تقوای پیشگی و وارستگی، مراقبت از آسیب‌پذیری‌های فکری، اخلاقی و روانی خود و اعضای خانواده، تلاش در استحکام سلامت و اعتلای منزلت و ارزشمندی خانواده و فرزندان و مجاهدت در مسیر نیل به سعادت‌مندی از مسئولیت‌ها و فریضه‌های دینی همسر است. به عبارتی، همسران ایمانی بر خود فرض می‌دانند، در همه حال حافظ دین و دنیا و آخرت یکدیگر و فرزندان خویش باشند و این اساسی‌ترین گام در حراست از حریم مقدس خانواده و ایفای حقوق حقه‌ی این بنای مهر و آشیانه‌ی محبت است (افروز، ۱۳۸۶: ۱۶۲) و هر یک از زوجین می‌تواند نقشی را که در یکدیگر می‌بینند، به واسطه‌ی کمالی که در سایر جهات دارد، آن‌را بر او ببخشد و در برطرف کردن آن کمک کند از این رو هر یک از دو همسر باید اخلاق و رفتار و برخورد خود را نسبت به نیاز روحی همسر خود تنظیم کند، به طوری که اگر مرد عصبانی بود، زن با لطافت با او برخورد کند و اگر زن خسته بود، مرد با او مدارا کند.

بحث و نتیجه‌گیری

۱۵۴

قرآن کریم اصلی‌ترین منبع استنباط احکام و قواعد زندگی بشریت به شمار می‌آید و بر اساس دیدگاه فقها (علمای اصول فقه) ظواهر قرآن در تمام عصرها و برای تمام انسان‌ها حجت است؛ به طوری که بایستی با تأمل در هر یک از آیات آن و با بهره‌گیری از سایر ادله، تحلیل و تفسیر دقیقی از آن کرد. از جمله آیاتی که نیاز به تحلیل و تفسیر در پرتو سایر ادله دارد، آیه‌ی شریفه‌ی «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» (بقره: ۱۸۷) است. این آیه‌ی شریفه‌ی از زن و شوهر به عنوان لباس برای یکدیگر تعبیر کرده؛ لذا این سؤال مطرح است که مراد از تعبیر مذکور چیست؟ قرآن کریم که همواره برای حفظ و سلامت خانواده کاربردی‌ترین راهکارها را بیان کرده، با تعبیر فوق چه نکاتی را مطرح فرموده است؟

پس از تتبع در تفاسیر قرآنی، کتب حدیثی و متون فقهی و حقوقی می‌توان اذعان داشت که آیه‌ی شریفه متضمن بسیاری از قواعد فقهی - حقوقی و نکات اخلاقی - تربیتی برای استحکام بخشیدن به بنیان خانواده به عنوان کانون اصلی رشد و تعالی انسان است؛ از این رو، از تعبیر به کار رفته و تطبیق آن با سایر ادله به دست می‌آید که ملبس بودن و داشتن همسر موجب آرامش فرد و اطمینان خاطر او از آسیب رسیدن در اثر عوامل تحریک‌آمیز بوده و باعث محفوظ ماندن حیثیت و شرف و دین و معنویت می‌شود و چنان‌که تناسب بین لباس و بدن از نظر عقلی و عرف امری واضح و ضروری است، در خصوص زوجین نیز از نظر فقهی و حقوقی تناسب آنها در

اعتقادات - یعنی کفو بودن زوجین از نظر شرعی و عرفی و تناسب در خلق و خوی - لازم و معتبر است. افزون بر آن، چنانچه داشتن لباس موجب مصون بودن از آلودگی‌ها و مزین شدن متلبس و نیز سبب تکامل فرد و بی‌نیازی او از دیگران می‌شود، داشتن همسر نیز مطابق آیه‌ی شریفه و بر اساس روایات تفسیری ائمه‌ی معصومین (ع) موجب حفظ نصف و بلکه دو سوم دین می‌شود و او را از افتادن به دام شیطان و هوا و هوس مصون می‌دارد و با متصف بودن هر یک از زوجین به صفات متعالی اخلاقی و آراستگی ظاهری در خانه موجب عفت و تقوای همسر شده و همواره به زندگی مشترک تنوع می‌بخشند. همچنین از آنجا که لباس گرم‌دهنده به وجود متلبس بوده و عیوب او را می‌پوشاند، از تشبیه زوجین به لباس چنین برمی‌آید که زوجین نیز برای استحکام بخشیدن به بنیان خانواده - که محبوب‌ترین بنیان در پیشگاه خداوند متعال است - بایستی به حکم قواعد اخلاقی با محبت و احترام و تکریم یکدیگر گرمابخش دل‌ها و محرم راز هم باشند و از نقل ناملایمات زندگی به افراد دیگر خودداری کنند. بر اساس آیات و روایات رسیده از معصومین (ع) در صورت ناسازگاری شدید زوجین، نهاد حقوقی طلاق وضع و به عنوان مبعوض‌ترین حلال دانسته شده که این مسئله از آیه‌ی شریفه نیز مستفاد است؛ چراکه تعبیر به لباس بیانگر آن است که در صورت نامتناسب و مشکل‌ساز بودن لباس و آسیب زدن آن خلع آن ممکن و بلکه ضروری است.

منابع

- ◀ قرآن کریم.
- ◀ سید رضی، محمد، (۱۴۱۴ ق). نهج‌البلاغه، قم: مؤسسه نهج‌البلاغه.
- ◀ آخوند خراسانی، محمدکاظم، (۱۴۰۹ ق)، کفایة الأصول، قم: آل‌البیت (ع).
- ◀ آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ◀ آموزگار، حبیب‌اله، (۱۳۵۵). مقام زن در آفرینش، تهران: اقبال.
- ◀ ابن بابویه، محمدبن علی بن بابویه (صدوق)، (۱۴۰۳ ق). معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ◀ ارفع، سید کاظم، (۱۳۸۳). خانواده در مکتب قرآن و اهل‌بیت، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- ◀ استری، خلیل، (۱۳۸۷). همسران موفق، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- ◀ افروز، غلامعلی، (۱۳۸۶). روان‌شناسی خانواده (همسران برتر)، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- ◀ الهام، غلامحسین و رضا زهروری، (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی چالش‌های ناشی از سکوت قانون در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه»، مطالعات حقوق تطبیقی، د ۸، ش ۲.
- ◀ امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران: اسلامیه، بی‌تا.
- ◀ امین‌زاده، محمدرضا، فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی، قم: درراه حق، بی‌تا.
- ◀ امینی، ابراهیم، آیین همسرداری، تهران: اسلامی، بی‌تا.

- ◀ انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵ ق). کتاب المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- ◀ بحرانی، یوسف بن احمد، (۱۴۰۵ ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ◀ پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۶). نهج الفصاحه، ترجمه‌ی علی اکبر میرزایی، قم: چاف.
- ◀ جباران، محمدرضا، (۱۴۰۰). «الگوی اخلاقی طلاق همسران در قرآن کریم»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۳، ش ۹۱.
- ◀ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- ◀ جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۶). زن در آینه جلال و جمال، قم: اسراء.
- ◀ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه‌ی آل‌البتیت (ع).
- ◀ حسن زاده، علی، (۱۳۸۷). جاودانه با عشق، قم: راه سبز.
- ◀ حقانی زنجانی، حسین، حقوق خانواده در اسلام، قم، بی‌نا، بی‌تا.
- ◀ حلی (علامه)، حسن بن یوسف، (۱۴۱۰ ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ◀ _____ (۱۴۱۳ ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ◀ حلی (محقق)، جعفر بن حسن، (۱۴۱۸ ق). المختصر النافع فی فقه الإمامیة، قم: مؤسسه‌ی المطبوعات الدینیة.
- ◀ _____ (۱۴۰۸ ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه‌ی اسماعیلیان.
- ◀ خمینی، سید روح‌الله، (۱۴۱۲ ق). تحریر الوسیله، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ◀ خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸ ق). موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسه‌ی إحياء آثار الإمام الخوئی (ره).
- ◀ رشیدپور، مجید و احمد به‌پژوه، (۱۳۸۶). جوان و تشکیل خانواده، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- ◀ زمانی، مصطفی، (۱۳۵۰). راه پیروزی بر مشکلات زناشویی، قم: امیر.
- ◀ سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۸). الوسیط فی اصول الفقه، قم.
- ◀ _____ نظام النکاح فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم، بی‌نا، بی‌تا.
- ◀ شبیری زنجانی، سید موسی، (۱۴۱۹ ق). کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز.
- ◀ شریعتی، علی، (۱۳۷۷). زن (مجموعه‌ی آثار)، تهران: چاپخش.
- ◀ صفایی، حسین و اسدالله امامی، (۱۳۸۰). حقوق خانواده، تهران: دانشگاه تهران.
- ◀ طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن، تهران: شرکت انتشارات سهامی.
- ◀ طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- ◀ طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- ◀ _____ (۱۴۱۳ ق). مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی.
- ◀ طوسی (شیخ)، محمد بن حسن، التبیان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- ◀ _____ (۱۴۰۰ ق). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتب العربی.
- ◀ طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸). أطيّب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
- ◀ عاملی، یاسین عیسی، (۱۴۱۳ ق). الاصطلاحات الفقهیة فی الرسائل العملیة، بیروت: دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوزیع.
- ◀ العاملی (شهیدثانی)، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشى - سید محمد کلانتر)، قم: کتاب فروشی داوری.
- ◀ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۱). حقوق مدنی، تهران: شرکت انتشار.
- ◀ کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- ◀ فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (۱۴۲۵ ق). کنز العرفان فی فقه القرآن، قم: مرتضوی.
- ◀ فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق). کتاب العین، قم: هجرت.
- ◀ قائمی، علی، (۱۳۷۸). تشکیل خانواده در اسلام، قم: امیری.
- ◀ _____ (۱۳۷۴). خانواده و مسائل همسران جوان، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- ◀ _____ (۱۳۶۳). نظام حیات خانواده در اسلام، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- ◀ محدث نوری، حسین، (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت (ع).
- ◀ مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲ ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز کتاب لترجمة و النشر.
- ◀ مصطفوی، سیدجواد، (۱۳۷۰). بهشت خانواده، قم: دارالفکر.
- ◀ مظاهری، علی اکبر، (۱۳۸۶). جوانان و انتخاب همسر، قم: پارسیان.
- ◀ مظفر، محمدرضا، (۱۴۳۰ ق). أصول الفقه، قم: نشر اسلامی.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- ◀ _____ (۱۴۲۴ ق). کتاب النکاح، قم: مدرسه امام علی (ع).
- ◀ موسوی سبزواری، سید عبدالأعلی، (۱۴۱۳ ق). مهذب الأحکام، قم: المنار.
- ◀ نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.